

غیجائیان محبوس است - نه از هیچ طرفی امید نصرتی است و نه از هیچ  
 ثغری انتظار مساعدتی - لا یكلف الله نفساً الا وسعها - پس صلاح در این است  
 که بادشمن راه مسالمت بپوشیم و وسیلهٔ مصالحت جوئیم - چند نفر دیگر از  
 علما نیز در این موضوع مذاکراتی نمودند و بالاخره نمایندگان طرفین  
 در بیرون شهر نشسته معاهده صلحی منعقد کردند که مفادش این بود: اهالی  
 تبریز از هر جنس و طبقه مجاز و مختارند که خود با اموال و اجناس  
 و متعلقات از تبریز آزادانه خارج شده بهر طرف مایل باشند بروند و  
 دولت عثمانی شهر تبریز را در مقابل خسارات وارده ضبط و تصرف نماید  
 معاهده امضا شد و از فردا صبح اهالی با اموال خود دسته بدسته از شهر  
 خارج شده بطرف کیلانات مهاجرت نمودند.

ما هم مقاله خود را بچند سطر از تاریخ (سر جان ملکم) که راجع  
 بتخلیه تبریز است ختم میکنیم . -

(شیخ محمد علی حزین که خود ناظر واقعه بود میگوید: که  
 آن شیران بیشهٔ جلادت و مردانگی بدستی دست عیال و بدست دیگر قبضه  
 شمشیر - چین در ابرو انداخته از میان صفوف اعدا میگذشتند و ترکان بدیده  
 تعجب در ایشان مینگریستند)

پس از آنکه ترکان وارد تبریز شدند متنفسی از اهالی در شهر نمانده بود.

(حسین مسرور)

## (احزاب سیاسی)

از آثار ادیب الممالک فراهانی اقتباس از دوره های سابق ارمغان

این قطعه اوضاع اول مشروطه را شرح میدهد که آزادی و مشروطیت  
 چگونه آغاز شده و نتیجهٔ انجام چه خواهد بود .

خدا رحمت کند مرحوم حاج میرزا آقاسی را  
 ببخشد جای او بر خلق احزاب سیاسی را  
 ترقی اعتدالی انقلابی ارتجاعیون  
 دموکراتی و رادیکال و عشقی اسکندری را  
 وزارت دادن طفلان و کاتب کردن پیران  
 مجاهد ساختن افونیان ریقماسی را  
 نترکستن توالی کردن پیران فرسوده  
 فکل بستن بگردن کودکان لوس لاسی را  
 عروسک غنچ کردن گربه رقصاندن پلو خوردن  
 پریشیدن بهم اوراق قانون اساسی را  
 درون منجلا و حوض و مبرز بشروبالوعه  
 پی تطهیر دادن غسلهای ارتماسی را  
 ندیدم فایده از احزاب جز ضدیت شخصی  
 خدا بر چند اذین این بساط رشک و ماسی را  
 نیورسیده و فاکولته در ایران بنیاد یارب  
 کجا تعلیم دادند این رجال دیپلماسی را  
 وزیران کهنه کار اما رموز دخل بردن را  
 و کیلان چرب دست اما فنون ناسپاسی را  
 نمودن در صف کابینه ضدیت بیکدیگر  
 تراشیدن بوقت کار عذر بیحواسی را  
 جرائد درستون خویش گنجانیده ازهرسو  
 هجاهای جریری هزلهای بونواسی را  
 کماندان چون بسربازش نظر برراست فرماید  
 زندبر کوچک چپ عذر جوع و بی لباسی را  
 مگر شلاق سازد رام این تنهای بارو را

مگر نخماق سازد نرم این دل‌های قاسی را

دو چیز امروز در ایران شعار مرد و زن دیدم

یکی باطل پرستیدن یکی حق‌ناشناسی را

نه انسانست هر کوناسی فرمان حق آمد

که نسانست مولا در حقیقت نام‌ناسی را

برو در مجلس شوری بخوان ز الفاظ بی‌معنی

ثلاثی و رباعی و خماسی و سداسی را

و سر وقتی گذارت بر صف کابینه شد بر گو

خدا رحمت کند مرحوم حاج میرزا آقاسی را

## (شاعر کیست)

شما چشم خود را باز کنید الوان و اشکال گوناگون موجودات این عالم را درك کرده و آنها را از یکدیگر تمیز میدهد این اشکال و این الوان مختلف يك روى مخصوص و يك وجه از وجوه طبیعت هستند که فقط صاحبان چشم و قوه باصره میتوانند آنها را درك کنند اگر قوه باصره نبود این روى و این چهره مخصوص در پشت پرده بی‌بصری ابدالدهر مستور میماند و هستی آن محقق نمیشد طبیعت روى دیگر دارد که آنها فقط گوش و سامعه درك می‌کنند انواع صداها که هر يك بما چیزی میگویند و خبری میدهند روى دیگری از موجوداتند که اگر از حس سامعه صرف نظر کنیم از وجود این وجهه طبیعت خبری نخواهیم یافت اگر شامه نباشد از عطر افشانی گلها خبری در عالم وجود پیدا نشده و انتشار ذرات لطیف این موجود قشنگ اثری جز بثر مردگی برک‌های خوش رنگ ندارد. و این روى مطبوع گل در پرده میماند زبری و نرمی سردی و گرمی يك روى دیگری از موجوداتند که جز در آینه حس لمس آشکار